****

[**www.iran57.com**](http://www.radioazadegan.com/Akhbare%20Rooz%20Apr%202016/www.iran57.com)

**خاتمی فدرال و عوامفریبی- حسن بهگر**

چند سالی است اسراییل و آمریکا در صدد تجزیه ایران اند و بهترین راه را هم فدرالی کردن کشور دانسته اند. چرا؟

برای این که فدراليسم شيوه ی حكومت يك دولت بر اجتماعات گوناگون است با حفظ استقلال اين اجتماعات يا گردهمايی چندين دولت حاكم در كنار هم و در جایی به درد میخورد که اتحاد اینها پایه ی تاریخی محکم ندارد. اینطوری ایران که از بابت تاریخی واحد بسیار محکمی است، تبدیل به چندین ایالت می شود که چند ریزه دولت آن را زیر نظر یک دولت مرکزی اداره می کنند. در فردای فدرالی شدن کشور، هر یک از این دولتها به راحتی می تواند ادعای جدایی کند. نمونه اش اقلیم کردستان عراق پیش چشم ماست که خیلی سریع به ادعای جدایی رسید و به آن افتضاح ختم شد. در بهترین حالت، ایران تضعیف و در بدترین، تجزیه می شود.

 روشن نیست چگونه می توان مرز این این ایالت ها به ترتیبی روشن کرد که موجب آشوب و غوغا و کشتار نشود. همین حالا، در اخبار شاهد هستیم برای استان کردن یک منطقه مدت ها نزاع ادامه دارد و حتی سر نصب یک تابلو هم دعواهای عجیبی درمیگیرد و اغلب با دخالت نیروهای انتظامی و بگیر و ببند فیصله پیدا می کند.

دادن اختیارات به هر ایالت تحت عنوان دولت، مقدمه ی جداسری و تجزیه است و سرآغاز جنگ های قومی و قبیله ای و پاکسازی قومی. می گویند با این کار از قدرت دولت مرکزی کاسته می گردد که سخن درستی است. ولی اول باید دید که کاستن قدرت دولت در کجا مورد دارد و کجا نه. همینطوری نمی توان مدعی شد که دولت ضعیف بهتر از قوی است. دولت باید بتواند جواب احتیاجات مردم را بدهد. از این گذشته، فدرالیسم تنها راه کاستن قدرت دولت مرکزی نیست. در باره ی این مسایل بسیار بحث شده و سالیانی ادامه داشته است. دولت باید دمکراتیک باشد و قوی، البته باید چناکه لیبرالها از قدیم گفته اند، هر جا مردم خودشان بهتر اداره می کنند، رشته ی اختیار را به دست خودشان بدهد. عنایت به همین نکات است که باعث شده بسیاری، دیگر از فدرالیسم سخن نگویند و بر تمامیت ارضی و یکپارچگی ایران تأکید کنند.

اما نکته تأمل انگیز این است که برخی در اپوزیسیون راه اصلی یافتن قدرت را در جلب رضایت آمریکا و اسراییل می جویند و به همین دلیل برای جلب نظر ارباب، سخن از فدرالیسم می رانند. نمونه ی حیرت انگیر آن شاهزاده رضا پهلوی است که مدعی پادشاهی است. تنها حسنی که برای شاهی قائلند این است که نماد حفظ تمامیت و یکپارچگی کشور باشد که رضا پهلوی آن را هم برای رسیدن به قدرت قربانی کرده است. البته حمایت‌های رضا پهلوی از سیستم سیاسی فدرالی حتا موجب واکنش هواداران خودش شده که بارها به آن اعتراض کرده اند که البته سودی نداشته است. حواسش جای دیگر است.

بر خلاف تصور بسیاری، فدرالیسم بیش از حل مشکلات، مشکل زا بوده است. برای مثال خود آمریکا در جنگ شمال و جنوب بیشترین صدمه را خورد و با وجود آنکه ایالت های جنوبی خواستار جدایی شدند و برای خود رئیس جمهور انتخاب کردند تن به جدایی داده نشد و چهار سال آمریکا دستخوش جنگ و خونریزی و برادرکشی بود و ۶۰۰۰۰۰ هزار نفر کشته داد. از آن روز هم دائم بر اختیارات دولت فدرال افزوده شده است. آمریکا با وجود فدرال بودن تحمل جدایی ایالت های خود را نکرد و اکنون برای دیگر کشورهای تجویز می کند. مرگ خوب است منتها برای همسایه.

از بی بی سی و سازمان های مدعی ملیت کم داشتیم که عمامه بسری در داخل کشور که رهبر اصلاحات هم لقب گرفته ریش جنبانده که :« شاید در حال حاضر از نظر سیاسی مناسب نباشد، اما مطلوب‌ترین شیوه ی حکومت مردمی، اداره ی فدرالی است» یکی نیست به این تدارکاتچی بی عرضه ی رژیم بگوید اگر از نظر سیاسی مناسب نیست چرا دهان باز می کنی و مشکل درست می کنی؟ جز اینست که تو هم خواستار به قدرت رسیدن به هر طریقی هستی؟ حالا اینجوری می خواهی مرید جمع کنی؟

این اولین باری نیست که خاتمی سخن یاوه می گوید، ولی بدبختانه یک عده بنام اصلاح طلب با در دست داشتن رسانه ها این شیخ مخبط را مطرح می کنند و به سخنانش طنین می دهند. مگر هم او نبود که به خود اجازه داد و فریاد کشید که ملت ایران دموکراسی نمی خواهد. این درستکاری و این شعور چه جای تبلیغ دارد؟

هم اکنون ملوک الطوایفی آخوندها را داریم و هر ملایی در هر گوشه ی کشور صاحب اختیارت خاص خود است و فتوای خودش را می دهد. برای نمونه اگر وزارت ارشاد کنسرت یک خواننده یا نمایش یک فیلم را مجاز می شمارد و مجوز صادر می کند ناگهان فلان ملا در فلان شهرستان آن را مجاز نمی داند. از این مصیبت ها کم داشتیم حالا فدرالیسم آخوندی هم درست شد. خاتمی خواستار گماردن چند علم الهدی در کشور است. معلوم نیست این عمامه بسری که تا حال معلوم نشده چه چیزی را می خواهد اصلاح کند و دموکراسی را هم قبول ندارد برای چه در صحنه ی سیاسی جولان می دهد. بنابه کدام موفقیت سیاسی به خود لقب رهبر اصلاحات داده است که با وجود در اختیارداشتن قوه مجریه و اکثریت درمجلس نتوانست کوچکترین قدمی برای مردم بردارد و با داشتن ۲۰ میلیون رأی بزرگترین فرصت تاریخی را از دست داد. حال​ امروز با طرح فدرالیسم به موجودیت ملت ایران می خواهد صدمه بزند.

حرف من ساده است. اگر کسی خودش نمیفهمد که باید دهانش را ببندد و برای جلب مرید از هیچ خیانتی کوتاهی نمی کند، اقلاً بقیه بزرگش نکنند بهتر است. هر کدام این اصلاح طلبان را که باد کردید، جز بدبختی برای ملت نیاورد. حال که داستان خودش از دور افتاده دیگر ختم کنید این خیمه شب بازی را.

ایران لیبرال